



حکمت، علمی است که به فضیلت منتهی شود

عبدالحسین خسروپناه در همایش «مفهوم حکمت در ادیان توحیدی» با بیان اینکه واژه حکمت را اولین بار کندی به جای فلسفه به کار برد، گفت: حکیم کسی است که علم او منتهی به فضیلت شود.

عبدالحسین خسروپناه در همایش «مفهوم حکمت در ادیان توحیدی» با بیان اینکه واژه حکمت را اولین بار کندی به جای فلسفه به کار برد، گفت: حکیم کسی است که علم او منتهی به فضیلت شود.

به گزارش خبرنگار مهر، همایش «مفهوم حکمت در ادیان توحیدی» به مناسبت روز جهانی فلسفه روز گذشته در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه برگزار شد.

موبد اردشیر خورشیدیان در پنل دوم این همایش درباره مفهوم حکمت در دین زرتشت به سخنرانی پرداخت.

تفاوت حکیم و فیلسوف

وی گفت: بزرگ ترین و بی نقص ترین کتاب خداوند طبیعت است که خداوند در آن با زبان علم با ما سخن گفته است. عالم بخش محسوس دارد و بخش معنوی، که ما به آن مینوی می گوئیم. برای شناخت حقایق عالم باید توجه کرد که کشف با ابداع و اختراع متفاوت است. فیلسوف در پی کشف حقایق است. اما حکیم بعد از کشف حقیقت بر پایه وجدان و اندیشه روشن از آن استفاده می کند. حکیم بعد از کشف حقیقت بر اساس وجدان و معارف دین به ابداع می پردازد. چیزی که بشر امروز آن را کم دارد.

رئیس انجمن مؤبدان تهران افزود: حکیم کسی است که از دانش خود در راستای استقرار نیکی استفاده می کند. اما حکیم با فیلسوف تفاوت دارد. دیدگاه های فلاسفه به تدریج از بین می رود و فیلسوفان بعدی حرف های آنان را رد می کنند. اما حکما مثل پیامبران یا سایر حکما حرف هایشان ماندگار است و برای همیشه قابل درک و قابل استفاده است. مثل سعدی که می گوید: عبادت به جز خدمت خلق نیست / به تسبیح و سجاده و دلق نیست. این سخن همیشه صحیح است و در هر زمان قابل استفاده است.

وی در ادامه گفت: حق یکی است اما درک انسان از حقیقت نسبی است. هیچ فردی را نمی توان یافت که از کوچک ترین مسأله همه چیز را بداند. دانش امروز را به ۳ دسته تقسیم کرده اند: اطلاعات (information)، دانش (knowledge) و علم (science). امروز ما علوم یقینی بسیار کم داریم. حکمت خود به دو دسته حکمت نظری و حکمت عملی تقسیم می شود. حکمت نظری درباره هست و نیست صحبت می کند.

خورشیدیان افزود: ما باید به صورت مستمر دانش خود را با شرایط زمان گسترش دهیم. حقایق ادیان یکی است که ما به آن گاتیک می گوئیم. اما بخش دوم را هاتیک و داتیک می گوئیم که شما به آن شریعت و طریقت می گوئید. این بخش در انجمن مغان بنای آن گذاشته شده و امروز هم انجمن مؤبدان کارش این است که هاتیک و داتیک یعنی همان شریعت و طریقت را بر اساس زمان تغییر دهد. ما همچنین ۹ اعتقاد پایه داریم که اولین آن اهورا مزدا است که به معنای ابر دانای هستی بخش است و در اصل های بعد گیتی و مینو و حقوق بشر و ... را داریم. همچنین معتقدیم انسان های نیک و درست کردار در بهشت مینو زندگی خواهند کرد یعنی بالاترین مرتبه بهشت.

خورشیدیان سپس عنوان کرد: ما همچنین به ۷ امشاسپندان اعتقاد داریم که نماد ۶ پایه رسیدن به حکمت هستند. هفت سین نوروز از همین جا آمده است. به عنوان مثال نماد اهورامزدا خودمان هستیم. نماد وهومن شیر و تخم مرغ است. نماد راستی، آتش است. سکه نماد شهرپاری بخشی است. خرداد که نماد آن آب است و آمداد که نمادش گیاهان است. اگر کسی این مراحل را طی کند سیپتتمان می شود. یعنی من سفید و عاری از پلیدی پیدا می کند. خدا نمی شود اما خداگونه می شود.

راه نجات حقیقی، معارف دینی است

وی همچنین اظهار داشت: از دیدگاه زرتشت بزرگ ترین گناه و دشمن بشر دروغ است. دروغ سرچشمه تمام بدی

هاست. کار دین انسان سازی است و این که انسان در سعادت زندگی کند و این کار آسانی است، اما چون فیلسوفان و دانشمندان امروز از حکمت بی بهره اند ما به نتیجه نمی رسیم. کلمه دین از دایانا گرفته شده که در دوران ساسانیان این کلمه تبدیل به دین شد. من با خواندن معارف اسلام و مسیحیت و تمامی ادیان به این نتیجه رسیده ام که راه نجات حقیقی و آن چیزی که دنیای امروز کم دارد معارف دین است.

در ادامه نشست آرش آبابی پیرامون مفهوم حکمت در دین یهود به سخنرانی پرداخت.

وی گفت: از نظر یهود حکمت اولاً الهی است و ثانیاً مبنای آن آموزه های یهود است. حکمت از دیدگاه یهود بیشتر ماهیت ارشادی دارد و نه فلسفی. از این جهت بیشتر ارشادی است چون یهودیت اساساً دینی است عمل گرا. پیش از اثبات خالق این مطرح می شود که بندگان باید برای خداوند چه کار کنند و چه وظایفی دارند. از تورات حکمت اخذ می شود و همچنین برای فهم تورات به حکمت نیاز داریم و این رابطه دو طرفه است. نبوت نوعی حکمت را با خود همراه دارد.

این محقق و دین پژوه کلیمی در ادامه گفت: ۲ کتاب سلیمان منبع حکمت یهودیان است. همچنین کتاب ایوب که مکالمه ای میان ایوب و دوستانش است. بخش هایی از مزامیر داود نیز منبع دیگر است. همچنین در آیات تورات زیاد به حکمت پرداخته شده است. مثلاً اصطلاح حکیم القلب را داریم که به این معنی است که افراد دانا قلب شان توانایی حکمت دارد. در جای دیگر از تورات می خوانیم که خداوند حکمت الهی اش را به کسی می بخشد که خود فرد دارای حکمت باشد. جنس حکمت الهی متفاوت است از آن حکمتی که انسان آن را می شناسد.

آرش آبابی در ادامه افزود: در ایوب ماحصل آیات این است که حکمت حقیقی تنها نزد خدا است. دانیال نبی صادقان را در آخرالزمان وارث حکمت الهی می داند در آخرالزمان تکامل دریافت حکمت رخ می دهد. دلیل اعتقاد انسان یهودی به تورات الهی بودن آن است و نه عقلانی بودن آن. در عرفان یهود این نکته مطرح است که بخش های بسیار پیچیده ای در یهود است مثل آفرینش جهان با کلام یا رویای حزقیال نبی که فقط با نگاه عرفانی می تواند این ها را فهمید. به این نوع حکمت، حکمت مخفی نیز می گفتند و امروزه به آن قبلا گفته می شود.

وی همچنین عنوان کرد: در نگاه یهود مراتب و سلسله ای ۱۰ گانه بین ذات خدا و انسان وجود دارد. از طرفی دو منبع برای انسان وجود دارد. یکی حکمت است که از بالا آمده و منشأ آن انسان نیست و دیگری عقل است که نتیجه آن می شود دانش انسانی. عرفان یهود معتقد است که هر کدام بدون دیگری دچار مشکل خواهد شد. پیامبران و حکما به دلیل داشتن حکمت در هر جا که بوده اند چه زندان و چه در سفرها و ... مورد توجه قرار می گرفتند و به دربار پادشاهان راه پیدا می کرده اند. از جایی حکیمان جای کاهنان را گرفتند تا این جایگاه اکتسابی باشد و نه موروثی. در یهودیت اعتقادی وجود دارد مبنی بر این که زمین از حکمت الهی مملو خواهد شد همانند آب هایی که دریا ها را می پوشانند.

حکیم کسی است که علم او منتهی به فضیلت شود

در انتهای نشست حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه، رئیس انجمن حکمت و فلسفه در جمع بندی نشست اظهار داشت: واژه حکمت را اولین بار کندی به جای فلسفه به کار برد. از آیات قرآن اصول رسیدن به حکمت این گونه بر می آید: کسی که می خواهد به حکمت برسد ابتدا باید شرک نوزد. در مرحله دوم باید نسبت به مادر خود تواضع داشته باشد. در درجه بعد اهل عبادت باشد. اصل بعدی این است که به خاطر نعماتی که خداوند به او داده تکبر نوزد. می بینیم که تواضع در برابر مادر پیش از نداشتن تکبر در میان سایر بندگان عنوان شده چرا که ابتدا تواضع را باید نسبت به مادر تمرین کرد.

خسروپناه افزود: آیا حکمت همان فلسفه است؟ به نظر من خیر. آیا علم است؟ خیر. حکیم کسی است که علم او منتهی به فضیلت شود. اما این خود درجاتی دارد. کسی که فضیلتش به خاطر معرفتش است اگر آن را با فلسفه و عرفان و علم به معنای ساینس تعمیق ببخشد آن گاه رفتار فضیلت محورش عمیق تر خواهد بود. فضیلت مبتنی بر معرفت عامیانه و معرفت عمیق با هم تفاوت دارد.

وی در انتها گفت: چرا انبیا حکیم اند؟ چون علم گذشته و آینده را می دانند اما این ذره ای به آنان غرور و فخر فروشی نداده است. بلکه اوج فضیلت و محبت و خدمت به خلق بوده اند. ما دوستدار حکمت و در مسیر حکمت هستیم. امیدوارم خداوند به ما توفیق دهد که حکیم بشویم.